

انسان سازگار به چه کسی گفته می شود؟

فردی که بتواند با گروه های متفاوت شغلی، ورزشی، تیمی، تحقیقی، اجتماعی، فرهنگی و ... به اشکال گوناگون و رفتارهای شایسته، سازگاری نشان دهد به قدر یقین فردی است که می تواند در هر شرایطی با جامعه خود سازگاری داشته باشد.



خبرگزاری مهر- فردی که بتواند با گروه های متفاوت شغلی، ورزشی، تیمی، تحقیقی، اجتماعی، فرهنگی و ... به اشکال گوناگون و رفتارهای شایسته، سازگاری نشان دهد به قدر یقین فردی است که می تواند در هر شرایطی با جامعه خود سازگاری داشته باشد.

فرد در جامعه همیشه درصدد کسب حرمت و همچنین یافتن جایگاه و نقش تعیین کننده خود است. سازگاری اجتماعی به مقیاس وسیعی در ازای تامین نیازمندی های فوق الذکر فرد محقق می شود. البته مشخص است که تامین چنین خواسته ها و نیاتی خواهد توانست در رشد شخصیت فرد و آینده نیز موثر واقع گردد. در واقع معیار سازگاری فرد با اجتماع را می توان در معامله میان نیازهای فرد و تامین آنها از سوی اجتماع مشاهده کرد.

زمانی که فرد در روابط خود با افراد دیگر اجتماع مشکلی نداشته و به سهولت بتواند روابط خودش را ادامه دهد؛ در میان جمع مقبول و مطلوب واقع شود؛ وظیفه ای که بر عهده اش نهاده شده و از انجام وظایف به نحو احسن رضایت داشته باشد و در زندگی اجتماعی جایگاه خود را شناخته و معین شده ببیند، آن زمان فرد خودش را سازگار با محیط خواهد دید. البته تمام این موارد چیزهایی هستند که در طول زمان حاصل می شوند و همین ادامه زمان است که فرد را برای سازگاری تقویت نموده و به تکامل شخصیتی وی منتهی می شود. با توجه به موارد یاد شده می توان برخی از معیارهای قابل تحقق را در سرفصل های زیر درک کرد:

سازگاری فرد با گروه های متفاوت

فردی که بتواند با گروه های متفاوت شغلی، ورزشی، تیمی، تحقیقی، اجتماعی، فرهنگی و ... به اشکال گوناگون و رفتارهای شایسته، سازگاری نشان دهد به قدر یقین فردی است که می تواند در هر شرایطی با جامعه خود سازگاری داشته باشد.

اهداف اجتماعی

کسانی که در رابطه با باورها و اعتقادات و هنجارهای اجتماعی صاحب دیدگاه بوده باشند، همان موارد را با تعبیر و تفسیر به دیگران انتقال بدهند و رعایت کردن آنها را برای دیگران جبری دانسته و تشویق نمایند و حتی برای رفع هنجارهای موجود تحلیل هایی را داده و آنها را توسعه داده و به روز نمایند، در حقیقت انسانهایی هستند که با اجتماع خود سازگاری مطلوب دارند.

ارضای فردی

فردی که از داشتن مسئولیت در جامعه خشنود بوده و نقشی را که برایش تعریف کرده اند، آن را درک کرده و ایفای بهتری داشته باشد و خود را از انجام وظایفش احساس رضایت نماید، در واقع آن فرد را می توان سازگار با اجتماع تلقی نمود.

ناگفته نماند که تاثیرات و موانعی که مسیر سازگاری اجتماع را مسدود می نمایند که در رده نخست این موانع بدون تردید به تاثیرات منفی نشأت گرفته از خانواده را نام برد. خانواده هایی که اشکال رفتارهای اجتماعی در آنها ضعیف و یا ناکافی می باشد فرزندان ناسازگاری پرورش می دهند و اگر این کودکان حتی در محیط خارج از خانه و در میان دوستانشان دارای خصوصیات خوبی بوده و بتوانند تا مرحله با دیگران سازگاری نشان دهند باز در بسیاری از کارها، مسئولیت ها و همکاریهای اجتماعی ناسازگاری از خود نشان خواهند داد.

اگر در میان خانواده ها تربیت و پرورش کودکان به گونه ای باشد که کودکان نتوانند در آن محیط شخصیت خود را یافته و متکی بر خود باشند در آنها میزان سازگاری یافتن با محیط بسی ضعیف و ناکارآمد خواهد بود و به همین ترتیب در زندگی بیرون از خانه دچار مشکلات عدیده ای خواهند شد و در سازگاری یافتن با اجتماعات مختلف دچار بحران های جدی تری خواهند گشت.

فقدان و یا ضعف سازگاری اجتماعی را نباید از جامعه دانست، بلکه نطفه این موضوع از خانواده شروع شده و عامل اصلی پرورش دهنده روح عدم سازگاری کودک با اجتماع در واقع والدین و افرادی هستند که در آن حضور دارند. شایان ذکر است که علیرغم وجود چنین شرایط نامطلوب و خطرناکی، باز کودکان بالفطره دارای قابلیت و قدرت سازگاری یافتن با محیط خود را داشته و تنها کافی است با کمی همت آنها را از مسیر ناسازگاری خارج کرد. در واقع حمایت حتی مقطعی می تواند کودکان ناسازگار را در دوران اولیه کودکی و یا نوجوانی به سمت و سوی سازگاری با اجتماع سوق دهد.

در میان مردم و روانشناسان این نکته مطرح است که وقتی فردی با اجتماع خود سازگاری ندارد، در حقیقت انسان ناسازگاری بوده و یا مخالف و ضد اجتماع است. اما باید گفت که میان ناسازگاری اجتماعی با ضدیت با اجتماع فرق و فاصله زیادی وجود دارد. به طوری که فرد ناسازگار با اجتماع عموماً انسانی است که از مفهوم اجتماعی بودن محروم است به عبارتی روشنتر او جهالت کاملی در رابطه با داد و ستد خود با اجتماع دارد و نمی‌داند که جامعه از او چه می‌طلبد و او چه نقشی در اجتماع داشته و خود چه انتظاراتی باید از جامعه داشته باشد. حال آن که فرد ضد اجتماع به کسی گفته می‌شود که علیرغم تلاش‌هایش برای ابراز وجود و ایفای نقش در جامعه و با وجود درک موقعیت خود در اجتماع و تلاش در سازگاری یافتن با اجتماع، متأسفانه باز نمی‌تواند نقاط و نکات مشترکی را میان خود و جامعه بیابد و از این رو حق و حقوق خود را پایمال شده دانسته و ظلم و جبری که اجتماع بروی به عمدعارض می‌گرداند به ستوه آمده و با آن جامعه و قوانین آن ناسازگاری نشان می‌دهد و ضدیت خود را اعلام می‌دارد.

افرادی که در گروه‌های مخالف سیاسی، تشکیلاتی و ... گرد هم می‌آیند و با اجتماع و قوانین آن به ستیزه‌جویی می‌پردازند. در حقیقت انسان‌هایی هستند که مخالف با جامعه خویش بوده و موقعیت خود و نقششان را در جامعه دانسته و به دلیل عدم ارضای خواسته‌های فردی منطقی با جامعه به ضدیت می‌پردازند. ناگفته نماند که این گروه از افراد اگر منطقی باشند، دنبال جوامعی می‌گردند که در آن جوامع نیازهای فردی خود را یافته و زمینه را برای شکوفایی و رشد و توسعه شخصیت خویش و روحیه سازگاری فراهم می‌بینند. این گروه غالباً مهاجرت می‌نمایند ولی افرادی که ضد اجتماع خود بوده ولی درصدد یافتن راه چاره نبوده و یا محیطی مساعد و مناسب را نیز تعیین نمی‌نمایند و به عناد و لجابت سعی دارند در جامعه حضور گردنکشان خود را اعلام نمایند. غالباً انسانهایی بسیار خطرناک برای اجتماع بوده و تنها به منیت و خواسته‌های فردی خویش می‌نگرند و نه تنها منافع اجتماع که حتی منافع نزدیکترین افراد به خود را نیز فدای منافع خویش می‌کنند.